

پرسش‌های فقهی عزاداری در دوران کرونا

گفتگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس قم متولد شد. ایشان فرزند سوم مرجع عالیقدر شیعه مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی رحمته‌الله هستند و وی در دوره جوانی در سال ۱۳۵۶ برای کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدند و با همت و جدیت فراوان توانست با شرکت در درس‌های خصوصی اساتید حوزه، در مدت کوتاهی دروس سطح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۱ به دروس خارج فقه و اصول راه یابد. ایشان در دوران تحصیل خود از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سیدرسول موسوی تهرانی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله پایانی، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیت‌الله سیدکاظم حائری و در دروس عقلی اساتید برجسته‌ای چون آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله جوادی آملی بهره برده‌اند. وی از همان سال‌های آغازین تحصیل، قدم در راه تدریس گذاشت و دوره‌های متعددی را در موضوعات اصول، فقه، تفسیر موفق به تدریس شده‌اند. علاوه بر این، موفق به تألیف ده‌ها کتاب و مقاله علمی در زمینه عمدتاً مباحث فقه و اصول شدند. ایشان در سال ۱۳۷۶ مفتخر به اجازه اجتهاد مطلق از سوی مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله شدند.

با سلام و عرض ادب و احترام خدمت خوانندگان محترم امیدوارم که آنچه که در این جلسه به آن پرداخته می‌شود مورد رضایت ائمه و حضرات معصومین علیهم‌السلام قرار گیرد. موضوع گفتگو پرسش‌های فقهی عزاداری محرم در دوران کرونا است، این گفتگو توسط مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه و با همکاری صمیمانه مرکز

فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام و هیئت اندیشه‌ورز سلامت و سبک زندگی معاونت پژوهش حوزه علمیه خراسان صورت می‌گیرد. بنده به نوبه خود از همه عزیزانی که ما را در این گفتگو یاری کردند، خصوصاً حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی قدردانی و تشکر می‌کنم. مستحضر هستید که پیدایش و شیوع ویروس کرونا در کشور ما و دیگر کشورهای جهان تحولات منفی و احياناً مثبتی را در عرصه‌های مختلف زندگی بشر ایجاد کرد. یکی از تحولات مثبتی که پس از شیوع ویروس در زندگی انسانی و عرصه‌های مختلف زندگی پیدا شد، مباحث جدید در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و علوم طبیعی بود. یکی از عرصه‌های مهمی که این مباحث به صورت جدی مطرح شده و در حال پیگیری است، در حوزه اندیشه دینی و به‌خصوص مباحث فقهی است که امروز هم به بهانه حلول ماه محرم و فصل عزاداری آل‌الله علیهم‌السلام، بخشی از این شبهات در فضای فکری جامعه ما در حال تولید و توزیع و انتشار است.

بدون شک همه ما جزو علاقه‌مندان و دوستان و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌خصوص سالار شهیدان حضرت حسین‌بن‌علی علیه‌السلام هستیم. حوزه علمیه، مراجع معظم دینی و علما و فقیهان ما پرچم‌دار و طلایه‌دار مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و تعظیم شعائر حسینی هستند، در اهمیت و ضرورت برگزاری شعائر حسینی و شعائر دینی تردیدی نیست و همه ما با جان و دل این اهمیت را باور داریم و در تمام لحظات زندگی تلاش کردیم که آن را به عرصه ظهور برسانیم، اما از یک سو باور داریم که همه رفتارهای ما به‌خصوص رفتارهایی که صبغه دینی و مذهبی دارند، این‌ها باید بر اساس مدارک و مستند دینی باشد، ما به استناد آیه شریفه **﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾** (حشر: ۷) باور داریم که هر رفتاری که بر مبنای دین و مستند بر مدارک دینی معتبر نباشد، جایز نیست و ممکن است بدعت در دین تلقی شود. به همین خاطر شعائر دینی و شعائر حسینی باید مستند و متکی بر مبانی دینی باشد. امروزه دشمنان مذهب، دشمنان دین و انقلاب تلاش می‌کنند از این فضای پیش آمده در دوران کرونا به سود قطبی‌سازی و تفرقه و ایجاد شبهات و پرسش‌های تردیدبرانگیز در اذهان و دل‌های مؤمنان و دوستداران حسینی استفاده کنند. ما اعتقاد داریم که در این دوران



مثل دیگر دوران، وظیفه عالمان عزیز، عالمان برجسته و دقیق و نکته‌سنج این است که با آموزش صحیح دین و رفع شبهات و تردیدها و ابهامات، این هجمه ناجوانمردانه دشمن را از بین ببرند و آرامشی را بر فضای جامعه این‌شاءالله استوار سازند.

حوزه علمیه و عالمان بزرگوار این حوزه از همان ابتدای شیوع ویروس کرونا و هجمه‌های عجیب و ناجوانمردانه‌ای که علیه دین و مناسک دین و مسائل دینی آغاز کردند، حرکت بسیار خوب و عالمانه و تخصصی و صادقانه‌ای را آغاز نمودند و امروز می‌بینیم که حوزه علمیه و عالمان دین در این امتحان بزرگ سربلند بیرون آمدند. در دوران کنونی و محرم هم پرسش‌ها و شبهات بسیار زیادی مطرح شد که لزوم بررسی تخصصی و فقهی آن‌ها قابل انکار نیست، به همین بهانه در خدمت حضرت آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی خلف صالح مرحوم حضرت آیت‌الله شیخ محمد فاضل لنکرانی استاد برجسته و فقیه محقق حوزه علمیه قم هستیم تا این‌شاءالله از خرمن دانش و بینش این فرهیخته خوشه‌هایی از معرفت و دین آگاهی را برچینیم من پیشاپیش از محضر این استاد گرامی که با کرامت نفس دعوت ما را پذیرفته‌اند، سپاس‌گزارم. ابتدا به استقبال مباحث علمی بیانات استاد خواهیم رفت و در ادامه پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی درباره اهمیت و چگونه تعظیم شعائر حسینی در دوران کرونا را ادامه خواهیم داد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

فرا رسیدن ایام حزن و ماتم عزای آل‌الله علیهم‌السلام را به محضر مقدس امام زمان علیه‌السلام و همه مراجع بزرگوار خصوصاً رهبری معظم انقلاب و مسلمانان و شیعیان و شما بزرگواران تسلیت عرض می‌کنم. امیدواریم که در مقدرات همه ما درک ماه محرم و اظهار ادب و عزاداری برای آن حضرت مقدر و رقم خورده باشد و قبل از شروع سخن از برادران محترمی که در مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات در حوزه مقدسه قم هستند و این جلسه محترم را با همکاری مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام و دوستان ما در مشهد،

هیئت اندیشه ورز دین و سلامت تشکیل دادند، از همه این بزرگواران تشکر می‌کنم. من به‌عنوان شروع صحبت نکاتی را عرض می‌کنم و بعد إن شاء الله سؤالات را مطرح می‌کنند و سپس نکات دقیق‌تر را مطرح کنیم.

کرونا یک قضیه‌ای است که چند مدتی است همه عالم را فرا گرفته و همه امور را تحت تأثیر قرار داده است، نه تنها سلامت را، بلکه اقتصاد بشر، اجتماعات بشر و رفت و آمدهای بشر، سیاست و همه امور را تحت تأثیر قرار داده است و من این‌جا نمی‌خواهم آمار تأثیرگذاری آن را در اقتصاد و در دنیا را بیان کنم. آن‌چه که مهم است این است که در نظام جمهوری اسلامی، بسیاری از مجالس و اجتماعات را مخصوصاً در ماه رمضان به جهت این ویروس موفق به انجام او نشدیم. الآن هم که ماه محرم و بعد از آن مراسمات دیگر می‌رسد، باز این مسئله مطرح است که با کرونا و از یک طرف مسئله عزاداری و اظهار ادب به سالار شهیدان چه باید کرد؟ این نکته به‌حمدالله در این قضیه کرونا روشن شد که بین دین و علم تعارضی وجود ندارد و واقعیت‌های علمی را بزرگان دینی می‌پذیرند و به مقتضای آن واقعیت‌های علمی، مناسک دینی تنظیم می‌شود. این مسئله در این چند ماه به خوبی برای دنیا و برای مراکز علمی و همچنین سیاستمداران ما ثابت شد که حوزه‌های علمیه انکار واقعیت‌های علمی و خارجی را نمی‌کنند، بلکه به مقتضای وجود او، مسائل دینی و مناسک و اجتماعات دینی مردم را تنظیم می‌کنند. در حقیقت کرونا با خسارت‌هایی که ایجاد کرده، نباید بگوییم کرونا دروغی بیش نیست؛ یعنی حرف غیرصحیحی است، کسی بخواهد بگوید که کرونا در یک دایره خاصی از محافل تأثیر می‌کند، در مساجد و در حرم‌ها و به مجلس امام حسین علیه السلام نمی‌رود، کرونا اندازه‌ای نیست که اظهار وجود بکند، مطلبی است که البته خیلی نادر است و قابل اعتنا هم نیست. ولی متأسفانه در فضای مجازی مطرح می‌شود و گاهی به نام حوزه و روحانیت هم ثبت می‌شود. ما وقتی که می‌بینیم که وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر حسب آن نقل معتبری که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، رحلت طبیعی نداشت، یک سمی که چند سال قبل از ارتحال توسط یک زن یهودی به آن حضرت خورانده شد و تأثیرش را گذاشت. ما کسی را دیگر در میان بشر فوق نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نداریم. کسی را بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مرتبه وجودی امیرالمؤمنین



علی علیه السلام نداریم، سم در وجود حضرت علیه السلام اثر کرد و در امام حسن مجتبی علیه السلام اثر کرد و خود امام حسن مجتبی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «... مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ»؛ «هیچ کدام از ما نیست مگر این که مسموم یا مقتول است» (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷). نمی‌توان گفت این ویروس به این مجالس نمی‌آید. افرادی که مبتلا هستند اگر این‌ها آمدند به این مجالس این‌ها سرایت نمی‌کند که متأسفانه این حرف‌ها زده شده و گاهی اوقات در لابه‌لای کتب این سخن آمده که در حرم ائمه علیهم السلام ویروس اثر نمی‌کند. ما مگر شاهد نبودیم که این حادثه فجیع را که در انتفاضه عراق صدام و سربازان منحوسش وارد حرم امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام شدند، حرم را به گلوله بستند. حال بگوییم گلوله در حرم‌ها اثر نمی‌کند، الآن جای گلوله‌ها موجود است.

بنابراین ویروس کرونا یک واقعیته است، اما مسئله این است که آیا پدیدار شدن یک ویروس، اساس انقلاب و اسلام و هویت شیعی که با یک سری مسائل گره خورده مثل عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام چه اتفاقی برای آن می‌افتد؟ این‌جا باید چه کار کرد؟ به مجرد این مطلب باید گفت مردم باید در منازل خودشان بنشینند و فقط از صدا و سیما عزاداری را استفاده کنند؟ این حرف قابل قبولی نیست، باید هم از نظر علمی و فقهی و اجرایی بحث کرد، که یک راهکار بسیار دقیقی که هم عزاداران اباعبدالله الحسین علیه السلام محروم نشوند و این ارادت خودشان را به نحوی اظهار کنند و عزاداری انجام دهند و هم این مسئله و واقعیت این ویروس مورد توجه قرار بگیرد. نکته بسیار مهمی که گاهی اوقات در فضای مجازی مطرح می‌شود این است که فقه به عزاداری امام حسین علیه السلام چه کار دارد؟ عزاداری و قضیه عاشورا فوق فقه و عقل است؛ یعنی از همان اول می‌گویند که فقه دخالت نکند و برخی‌ها این نظر را دارند. به نظر ما این مطلب کاملاً غلط است و من معتقدم جدا کردن عاشورا از فقه، از تحریف‌های بزرگ عاشورا و کربلا است. اگر ما عزاداری و کربلا را از فقه جدا کنیم؛ یعنی بگوییم با قطع نظر از فقه باید به او نگاه کنیم و تحلیل کنیم، این یک تحریف بسیار بزرگ در قضیه عاشورا است. وقتی امام حسین علیه السلام قصد داشتند حرکتشان را آغاز کنند، در آن جلسه‌ای که مروان بن حکم حضرت را به بیعت دعوت می‌کند، حضرت فرمود: «علی

الإسلام، أَلَسْلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدَ»؛ یعنی مسئله حکومت صحیح بر مسلمین را مطرح می‌کند. ما وقتی کلمات امام حسین علیه السلام را نگاه می‌کنیم، حضرت وقتی با اصحاب خودش و در برخورد با حر چه فرمود؟ استناد کرد به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، که فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَتِهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ يَفْعَلْ، وَلَا قَوْلٌ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»؛ «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت برنخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد». این بیان یک بیان کاملاً فقهی محض است. اساساً یکی از تحلیل‌های قوی در مورد قضیه امام حسین علیه السلام این است که ما روی مسئله جهاد ذبی (دفاع از کیان اسلام) تحلیل کنیم. ما این مقاله را در یک رساله عربی، فارسی منتشر کردیم. اگر ما مسئله را از دیدگاه جهاد ذبی مطرح نکنیم، خیلی از سؤالات در قضیه امام حسین علیه السلام می‌ماند و ما نمی‌توانیم جواب دهیم و جهاد ذبی یک بحث فقهی بسیار عمیق است. بنابراین نباید گفت که حرکت امام حسین علیه السلام ربطی به فقه ندارد و عزاداری را از فقه جدا کنیم. فقها و مراجع ما از گذشته تاکنون همه راجع به عزاداری نکات و ابعاد فقهی‌اش را هم ذکر کرده‌اند. لذا این فکر بسیار اشتباه است که بگوییم فقه را دخالت ندهیم و بنده همین‌جا عرض کنم که مراجع بزرگوار و رهبری معظم دیدگاه فقهی‌شان را بیان کردند، عده‌ای دنبال این هستند که از این قضیه سوء استفاده کنند که شما کاری به فقه نداشته باشید. کسی که عاشق امام حسین علیه السلام است، چه کار به فقه دارد. یک شخصی که متأسفانه لباس روحانیت هم دارد در فضای مجازی می‌گوید امام حسین علیه السلام آقا بالا سر نمی‌خواهد. این‌طور مردم را علیه مراجع، روحانیت و بزرگان تهییج می‌کند. مگر کسی گفت امام حسین علیه السلام آقا بالا سر می‌خواهد. بشکند دهانی که گفته باشد برای امام حسین علیه السلام آقا بالا سر قرار داده‌اند. همه مراجع و علما خودشان را خدام الحسین علیه السلام می‌دانند. چرا این‌گونه با مردم حرف می‌زنید. اگر یک فقهی و مرجعی مبنای فقهی را مطرح کرد و وظیفه‌اش بود مطرح کند، مردم هم



متدین‌اند و قبول می‌کنند، آیا این معنایش داشتن آقا بالاسر است؟! اصلاً ما مرجعی نداریم که عزاداری امام حسین علیه السلام جزء تار و پود وجود او نباشد. این‌ها همه در همین حسینیه‌ها و خیمه‌ها درس گفته‌اند و بزرگ شده‌اند و عزاداری کردند. آنچه که از خود امام حسین علیه السلام به ما رسیده به ما یاد داده‌اند. لذا این توطئه را مردم عزیز ما و فضلا و طلاب توجه داشته باشند. مبدا با این تعابیر ذهن عزیز و شفاف مردم را بخواهیم مشوش کنیم. ما می‌خواهیم ببینیم دین چه می‌گوید. امام حسین علیه السلام فریادش این است که «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَنُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ»؛ «مردم بنده دنیایند و دین بر سر زبان‌های آن‌ها آویزان است» (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶). مشکل امام حسین با جامعه زمان خودش این بود که مردم دین را کنار گذاشتند، آن وقت آیا ما می‌توانیم بگوییم در عزاداری کاری به فقه و دین نداشته باشیم؟ کاری به حلال و حرام نداشته باشیم؟ نه، ما عاشق امام حسین علیه السلام هستیم. عشق به امام حسین علیه السلام سر جای خودش ولی باید رعایت همه جوانب بشود، این به عنوان مقدمه‌ای برای سؤالات شما بود.

مجله پاسخ: خیلی متشکر و ممنونم از استاد معظم که با نکات مهم و بسیار دقیق مقدمه بسیار درست و منطقی و صحیحی را برای مباحث بعدی ما مطرح فرمودند. جناب استاد در این ایام شبهات و پرسش‌ها و مسائل مختلفی در مورد اهمیت و چگونگی برگزاری مراسم‌های عاشورایی در فضای فکری جامعه مطرح شده، مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه که مسئولیت و رسالت اصلی این مرکز رصد و پاسخ‌گویی به شبهات دینی است، یک مجموعه‌ای از شبهات و مسائل را جمع‌آوری کرده‌اند و به شکل‌های مختلفی در حال انتشار این پاسخ‌ها هستند. بخشی از این سؤالات و پرسش‌ها جنبه فقهی دارد و کسی جز فقیهان قابلیت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها را ندارد. این پرسش‌ها جمع‌آوری شده و اهم این پرسش‌ها را مطرح می‌کنیم و پاسخ‌های فقیهانه و مدبرانه جنابعالی را خواهیم شنید.

به عنوان اولین سؤال، جناب استاد اساساً مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام و به ویژه سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به خودی خود و در شرایط فکری حاضر چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان گفت که برگزاری مراسم مستحب شرعی است، ولی در برخی از شرایط، برای بعضی از افراد واجب می‌شود یا این‌که باید گفت این‌ها در هر زمانی و

شرایطی واجب هستند، در این خصوص اگر مطالبی هست در خدمت شما هستیم؟

♦ از روایات فراوانی که مرحوم صاحب وسائل رحمته الله در جلد چهاردهم کتاب الوسائل، کتاب الحج و باب مزار (أَبْوَابُ الْمَزَارِ وَ مَا يَنْاسِبُهُ)، در آنجا ابواب متعددی را مرحوم صاحب وسائل راجع به زیارت امام حسین علیه السلام آورده که عنوانش این است، «بَابُ تَأْكُدِ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجُوبُهَا كِفَايَةً»، باب دیگر باب چهل و چهارم، «باب وجوب زیارت الحسین و الائمه علیهم السلام علی شیعتهم کفایتاً»، هر فقهی به این روایاتی که در این ابواب متعدد وارد شده، مراجعه کند، تأکد استحباب، کاملاً فهمیده می‌شود. لذا در مورد زیارت کسی اختلاف ندارد. زیارت الحسین علیه السلام استحباب مؤکد دارد، چرا؟ تعابیری که در این روایات وارد شده، «فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يُلْغَوْهُ مَأْمَنُهُ وَ إِنْ مَرَضَ عَادُوهُ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً وَ إِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، (کافی، ج ۴، ص ۵۸۱، ح ۶) ملائکه او را مشایعت می‌کنند تا به خانه‌اش برسد، اگر مریض شود ملائکه الهی صبح و عصر او را عیادت می‌کنند. اگر بمیرد در تشییع جنازه‌اش شرکت می‌کنند. «مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲)؛ «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ» (وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۱). این‌ها تعابیری است که هر فقهی از این تعابیر تأکد در استحباب را استفاده می‌کند. صاحب وسائل رحمته الله، مقداری از استحباب در باب زیارت امام حسین علیه السلام جلوتر و بالاتر رفته و برداشت وجوب کفائی کرده است و پذیرفته است که در دو باب ۳۷ و ۴۴ آمده است. حالا وارد بحث فقهی این نمی‌شوم که آیا در آن روایتی که صاحب وسائل از آن وجوب کفایی استفاده می‌کند، وجوب کفایی از آن برداشت می‌شود یا خیر. آنجا امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ إِيْتَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ» که شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه السلام امر کنید (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳). جمعی از فقها و بزرگان به تبع صاحب وسائل، وجوب کفایی زیارت امام حسین علیه السلام را استفاده کرده‌اند، اما آن‌چه که الآن مورد سؤال جنابعالی



است، بحث عزاداری است. آیا همین عناوینی که برای زیارت هست ما می‌توانیم از آن تعدی کنیم و مسئله عزاداری را هم ملحق به زیارت کنیم؛ یعنی بگوییم عزاداری امام حسین علیه السلام نه تنها مستحب است، بلکه مستحب مؤکد است و وجوب کفایی دارد. وقتی که ادله را بررسی می‌کردم، در مجموعه روایات و آیات هفت دلیل داریم، از این هفت دلیل استحباب مؤکد عزاداری به خوبی استفاده می‌شود.

دلیل اول: این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳) «من مزدی جز مودتِ اهل‌بیت‌ام از شما چیزی نمی‌خواهم»، این مسئله که پیامبر اجری نمی‌خواهد، چهار تعبیر از این آیات در قرآن کریم آمده که بنده در کتاب «گفتارهای حسین علیه السلام» مفصل آورده‌ام، چندین تعبیر دارد، یک جایی خدا می‌فرماید ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾ (سبا: ۴۷)؛ جای دیگر می‌فرماید ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ (ص: ۸۶)، و همچنین می‌فرماید ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۵۷) و آن آیه که از همه مهم‌تر است همان آیه ۲۳ شوری است. از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که مودت قربا پیامبر صلی الله علیه و آله که از ایشان سؤال شد، قربا شما کیست؟ فرمودند: فاطمه و علی و فرزندان ایشان است. از این آیات فهمیده می‌شود که مودت اهل‌بیت علیهم السلام واجب است.

دلیل دوم: عزاداری از مصادیق شعائر الله است ﴿مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲).

دلیل سوم: روایات در باب بکاء (گریه کردن) است، «مَنْ بَكَى وَ تَبَاكَى»، این خودش عزاداری است. اگر کسی در منزلش بنشیند و زن و بچه‌اش را جلوی‌ش بنشاند و بگوید می‌خواهیم برای امام حسین علیه السلام گریه کنیم، این مشمول این روایت است که بنده توصیه می‌کنم این‌گونه عزاداری‌ها باید اوج بگیرد و این هم از برکات کرونا است که مقداری عزاداری‌ها در خانه‌ها برگزار شود، الآن در خیلی از خانه‌ها نماز جماعت برقرار می‌شود و این هم باید بشود.

دلیل چهارم: عزاداری از مصادیق احیای امر ائمه علیهم السلام است و احیای امر ائمه علیهم السلام

مستحب است «فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۱).

دلیل پنجم: عنوان دیگر این است که ائمه علیهم السلام فرمودند: شیعیان ما از زیادی گل ما آفریده شده‌اند، در شادی ما شادند و در اندوه ما محزون‌اند «شِيعَتُنَا خُلُقُوا مِنْ فَاضِلِ طِبْنَتِنَا فَرَحُونِ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹).

بنابراین در ایام ولادت ائمه علیهم السلام، مجالس سرور می‌گیریم و در ایام شهادت و مصیبت‌شان مجالس حزن و اندوه هستیم.

دلیل ششم: مسئله وفای به عهد است. این نکته‌ای است که هر شیعه‌ای این را می‌داند که هر امامی یک عهده‌ی بر شیعه دارد. در کتاب وسائل روایت شریف آمده است. روایت این است «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ» (وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۳۲۲). هر امامی یک عهده‌ی بر گردن مؤمنین و شیعیان دارد. عزاداری از مصادیق وفای به این عهد است؛ یعنی آن عزادار امام حسین علیه السلام وقتی که به خیابان می‌آید و عزاداری می‌کند، می‌گوید که به عهده‌ی که با امام حسین علیه السلام بستم وفا می‌کنم.

دلیل هفتم: از مصادیق حب امام علیه السلام است که روایت معروف از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ» شامل این می‌شود. این حرف دلیل روشن برای این است که عزاداری مستحب است و استحباب مؤکد دارد. یک وقت به عنوان اولی‌اش بحث می‌کنیم، عنوان اولی‌اش همین است مستحب مؤکد است. بنابراین اگر کسی عزاداری نرفت واجبی را ترک کرده یا نه؟ به حسب عنوان اولی نمی‌توانیم بگوییم کسی که عزاداری نرفته، واجبی را ترک کرده است اما به حسب عنوان ثانوی در بعضی شرایط این عزاداری‌ها عنوان وجوب پیدا می‌کند. الآن قوام شیعه به این عزاداری‌ها هست، هویت شیعه به این عزاداری‌ها است. وجود و بقای شیعه به این عزاداری‌ها است، به این عنوان وجوب پیدا می‌کند؛ ولی نه وجوب عینی، بلکه وجوب کفایی است اگر کسی عزاداری را انجام داد، از دیگران ساقط می‌شود. لذا این حکم عزاداری به حسب عنوان اولی و ثانوی است.

مجله پاسخ: بحث کیفیت عزاداری لازم است مورد تحلیل قرار گیرد. برخی افراد که در فضای مجازی فعالیت می‌کنند، می‌خواهند هیجانات و احساسات مردم را تهییج کنند،

می‌گویند برخی در این دوران عزا، می‌خواهند چراغ امام حسین علیه السلام را خاموش کنند. می‌گویند بر شما واجب است بیایید و بر همان شیوه‌های گذشته در فضای سرپوشیده و فضای متراکم، عزاداری انجام دهید. آیا چنین کیفیت‌هایی می‌تواند واجب شود؟

♦ آن‌چه که از کلام فقها و ادله استفاده می‌شود، این است که آن کسی که مسلمان و شیعه است باید عزاداری کند، اما کیفیت عزاداری به اختلاف ازمنه و امکان و عرف‌ها مختلف است، فقهای ما یک قید دارند که عزاداری مقارن با یک امر محرم نباید باشد، یک وقتی است که یک موسیقی حرامی را بخواهند در مجلس امام حسین علیه السلام و دسته عزاداری بیاورند که جایز نیست. از آن طرف نمی‌توانیم کسی را که به‌خاطر اجتناب از یک مرضی در این دسته عزا شرکت نمی‌کند، بگوییم این شور حسینی ندارد؛ یعنی دین نمی‌گوید که شور حسینی این است که همه ضوابط را کنار گذاشته و مردم مثل سابق عزاداری کنند، اما از جهت کیفیت عزاداری اولاً عزاداری باید خالصانه انجام شود. انسان هر چه بیشتر عزاداری کند و بگیرد و بگیراند، فریاد بزند، هیجان داشتن در عزاداری به آن ترغیب شده است ولی این‌طور نیست که کسی اگر فریاد نزد یا اگر کسی به‌خاطر مشکلی مثل مشکل زمان ما نتواند اصلاً اجتماع منسجم و متصل به هم را داشته باشند، بگوییم این شور حسینی ندارد، شور حسینی با کیفیت‌های دیگر نیز محقق می‌شود.

مجله پاسخ: خیلی ممنون، پس از نظر حضرتعالی بحث کیفیت عزاداری بحثی تبعیدی نیست و امری است که به‌اصطلاح به زمانه و عرف و نظر متخصصان فرهنگی برمی‌گردد؟

♦ عناوینی مثل صرخه، فریاد، لطمه در روایات وجود دارد که ترغیب به این‌ها شده است.

مجله پاسخ: شکی نیست که حفظ جان واجب است و اگر کسی جان خود یا دیگری را به خطر بیاندازد، گنهکار و ضامن است. متخصصان پزشکی و بهداشتی تقریباً اتفاق نظر دارند که مراسمی که در فضای سرپوشیده یا فضای انبوه و متراکم بدون رعایت دستورالعمل بهداشتی، فاصله اجتماعی و زدن ماسک می‌تواند جان افراد را به خطر بیاندازد و جامعه را دچار بحران کند. از آن طرف برخی از اشکال مراسم عاشورایی و محرم که در گذشته برگزار می‌شد، در اماکن سرپوشیده و با انبوه جمعیت بوده است. الآن با توجه به نظر متخصصان کسی می‌تواند با استناد به این‌که ما می‌خواهیم عزاداری کنیم، جان خود یا دیگری را به خطر بیاندازد. اگر ما بپذیریم که مراسم امام حسین علیه السلام باید به

کیفیت گذشته باشد، در شرایطی که بین وجوب حفظ جان و تحقق شعائر حسین تراحم ایجاد شود کدام یک مقدم است؟

♦ این سؤال خیلی مهم است، چون گاهی اوقات خلط‌ها و اشتباهاتی در این مسئله صورت گرفته است و امیدوارم بتوانم دقیق پاسخ بدهم. اصل عزاداری مستحب مؤکد است. البته در فرمایشات بعضی از مراجع و بزرگان مثل مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله دیدم که ایشان تعبیر به وجوب کفایی هم دارند. البته باید روی همه فروزش بحث شود. بدون تردید عزاداری امام حسین علیه‌السلام فعلی است که رجحان دارد و مستحب مؤکد است یا بنابر قولی عنوان وجوب کفایی دارد. البته این را به‌عنوان اولی بحث کردم و الا به‌عنوان ثانوی مسلم است که وجوب کفایی دارد.

از طرف دیگر امروز مسئله وجوب حفظ نفس مطرح است که حفظ نفس عقلاً و شرعاً واجب است. دین اسلام، دینی است که کاملاً بر طبق ضوابط و ملاک‌های عقل است و جایی نداریم که دین خلاف ملاک عقل حرفی بزند، حفظ نفس را دین واجب می‌داند. بله! موارد استثنا داریم؛ اگر مسئله جهاد و دفاع پیش آید، انسان باید از دین و جان و مال و ناموسش دفاع کند. این‌جا اسلام می‌گوید که اگر جان خودت را دادی ایرادی ندارد و به او عنوان شهید هم می‌دهند که بالاترین سعادت است. اصل و وجوب حفظ نفس، حکمی قطعی و عقلی است.

بحث دیگر مسئله قاعده «لا ضرر» است که در کلمات برخی دیده شده و می‌گویند اگر با رفتن به برخی مجالس احتمال ضرر می‌دهید، حضور شما در آن مجلس جایز نیست. اگر احتمال عقلایی می‌دهید که به مجلسی بروید، بیماری به شما سرایت می‌کند، حق شرکت در آن مجلس را نخواهید داشت.

نکته‌ای که بنده می‌خواهم عرض کنم، این است که قاعده «لا ضرر» هر چند قاعده مسلم فقهی است، اما از این جهت که انسان متحمل ضرر شود، ارتباطی با موضوع ما ندارد. قاعده «لا ضرر» پنج مبنا دارد و مبنای مشهور این است که اگر یک حکمی از احکام خداوند تبارک و تعالی مستلزم ضرر شد، آن حکم برداشته می‌شود. چه واجب باشد و چه محرم باشد. در مستحبات اختلاف وجود دارد که «لا ضرر» مستحبات را بر می‌دارد یا اصلاً ارتباطی به این بحث ندارد. بله! برخی «لا ضرار» را به همان معنای

«لا ضرر» می‌دانند و برخی هم می‌گویند حق اضرار به غیر را ندارید. از این جهت با بحث ما ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی اگر کسی مبتلا به مرض مسری است، اگر در جلسه یا دورهمی شرکت کند و دیگران را مبتلا کند، این شخص مریض ضامن است.

نکته دیگر مسئله «لا ضرر»، این است که آیا علم به وقوع ضرر لازم است یا نه؟ ظن معتبر لازم است یا ظن غیرمعتبر؟ و یا یک عده‌ای مثل مرحوم صاحب جواهر (رحمه الله) که می‌گوید: هر جا خوف ضرر باشد و لو علم و ظن هم نداریم، خوف ضرر باشد، کافی است. این یک بحثی است که در جای خودش باید مطرح شود.

بنابراین قبل از زمان علامه و بعد از ایشان عمده فقها مسئله علم یا ظن را مطرح می‌کنند، اما صاحب جواهر می‌گوید: خوف هم باشد کافی است، ولی مرحوم شیخ انصاری می‌پذیرد، ولی در پایان می‌گوید: احتیاط خلاف است. مسئله این است که «خوف ضرر» عنوان مستقلی است؛ یعنی اگر مقابل شما غذایی گذاشته‌اند و احتمال وجود سم را می‌دهید، این جا عقل می‌گوید باید اجتناب کنید و شرع نیز همین را می‌گوید. برخی از مراجع سؤال می‌کنند که جایی که احتمال عقلایی وجود ویروس کرونا است، شرکت در آن جایز است یا نه؟ می‌فرمایند: جایز نیست. این حکم را شرع و عقل نیز می‌گویند. از طرفی اگر ضوابط بهداشتی (ماسک زدن - ضدعفونی کردن) رعایت شود، احتمال (سرایت) منتفی است. این که مراجع بزرگوار می‌گویند رعایت این ضوابط واجب است، بر همین اساس است. اسلام می‌گوید اگر در یک جایی خوف ضرر جانی، بدنی، مالی هست، ولی خوف، خوف عقلایی است، باید اجتناب کرد.

بدون تردید عزاداری امام حسین (علیه السلام) از افضل قربات است؛ یعنی مستحب مؤکد است و به عنوان ثانوی واجب کفایی است. این یک طرف و حفظ نفس نیز واجب است. این جا برخی آقایان بحث تزاحم را مطرح می‌کنند که کدام اهم و کدام مهم است و بعد می‌گویند عزاداری مستحب است و با واجب نمی‌تواند تزاحم کند. حال اگر در شرایطی قرار داشتیم که عزاداری عنوان ثانوی پیدا کرد و آن هم واجب به وجوب کفایی شد. واجب با واجب تزاحم می‌کند، بله! می‌گوییم آن واجب کفایی و این واجب عینی است، من به الکفایه باید انجام بدهد تا مادامی که کفایی انجام نداده است عنوان واجبش عینی است. هر واجب کفایی همین است؛ یعنی در حکم واجب عینی

است. هر کسی باید نسبت به این واجب اقدامی بکند. حال که این‌جا تراحم شد، باید بگوییم کدام اهم است و کدام مهم است، از طرف دیگر عقل و شرع می‌گوید: حفظ نفس، واجب است و القاء نفس در هلاکت حرام است، بر اساس آیه شریفه قرآن ﴿لَا تُقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾؛ «خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید» (بقره: ۱۹۵)، القای نفس در هلاکت یک طرف قضیه است و وجوب ثانوی عزاداری امام حسین (علیه السلام) در طرف دیگر آن قرار دارد. نکته‌ای مهم در این‌جا این است که اصلاً تراحم واقع نمی‌شود، چون تراحم در جایی است که جمع بین این دو، امکان ندارد، اما در جایی که انسان با رعایت ضوابط بهداشتی عزاداری کند و جان‌ش حفظ شود، اصلاً تراحمی وجود ندارد که ما سراغ آن برویم، لذا این‌که آیا این‌جا تراحم است یا نه؟ و مرجحات باب تراحم را مطرح کنیم، در این‌جا معنی ندارد. سؤال دیگر این‌که آیا این‌جا تعارض هست؟ گفتند آیا استحباب زیارت امام رضا (علیه السلام) به مسئله عدم وجود خوف مقید می‌شود یا نه؟ اصلاً تقییدی وجود ندارد، این دو در مقام مسئله حفظ نفس و مسئله زیارت امام رضا (علیه السلام) یا عزاداری در عالم جمع، تعارضی ندارند که یکی مقید دیگری بشود. این هم که می‌گویند «الجمع مهما امکن أولى من الطرح» در بحث تعارض است و ربطی به تراحم ندارد، این‌جا نه تراحم است، برای این‌که جمع امکان دارد، نه تعارض است برای این‌که تنافی در عالم جعل امکان ندارد. یک سؤالی را این روزها خیلی از بنده پرسیدند این است که کسی می‌داند یا احتمال عقلایی می‌دهد که اگر به این مجلس برود، ویروس کرونا او را می‌گیرد یا خودش به دیگری انتقال می‌دهد، این انتقال به دیگری قطعاً حرام است و ضامن است و هیچ تردیدی نیست. نکته‌ای را که می‌خواهم عرض کنم این است که اگر کسی گفت من مجلس امام حسین (علیه السلام) می‌روم و احتمال هم می‌دهم مبتلا بشوم و خدایی نکرده مبتلا می‌شود و بیرون می‌آید، آیا این شخص از ثواب عزاداری امام حسین (علیه السلام) بهره‌ای برده است یا ثوابی نبرده و کالعدم است؟ این را در اصول خواندیم که می‌گوید این‌جا از موارد اجتماع امر و نهی است. عزاداری جای خودش است و ثوابش را به او می‌دهند، ولی حرام هم، جای خودش است. چطور کسی اگر در حین نماز نعوذ بالله نماز می‌خواند و نگاهی به نامحرم



کرد، نمازش صحیح است و ثوابش را می‌دهند، حرام هم سر جای خودش و عقوبتش می‌کنند. این‌جا نه بحث تراحم است و نه بحث تعارض، بحث اجتماع امر و نهی می‌شود. در این‌جا نکته‌ای را عرض کنم کسانی که می‌گفتند سراغ اصول نروید، ببینید اصول چگونه دست فقیه را می‌گیرد و هدایت می‌کند. اگر به باب تراحم برویم یک حرف‌هایی باید بزنیم. حفظ جان مقدم است یا عزاداری؟ اگر کسی می‌گوید اگر عزاداری در شرایطی باشد که دشمنان دنبال نابودکردن دین هستند و می‌خواهند چراغ امام حسین (علیه السلام) را خاموش کنند، مسلم است که این بر حفظ نفس مقدم می‌شود. اگر در باب تعارض برویم، تنافی در مقام جعل می‌خواهد که ندارد. پس چیست؟ اجتماع امر و نهی است، یک امر استحبابی یا وجوبی کفایی یا ثانوی نسبت به عزاداری داریم، یک نهی هم داریم که جان خود را به خطر نینداز و خود را مریض نکن. به نظر بنده رعایت ضوابط بهداشتی این احتمال عقلایی را منتفی می‌کند. اگر کسی رعایت نکرد و می‌دانست منتفی می‌شود یا احتمال می‌داد این‌جا گناه کرده اما ثواب عزاداری‌اش هم در جای خودش محفوظ است.

مجله پاسخ: برخی پرسش‌ها هست که به جای شبهه می‌توان مطرح کرد. مثلاً گفته می‌شود در بیمارستان‌ها تجهیزات پزشکی را بیش از گذشته فراهم کردیم. چرا؟ چون بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها شفاخانه هستند و مردم باید به این‌ها مراجعه کنند تا از بیماری مصون بمانند یا درمان شوند. از طرف دیگر در بعضی روایات یا در فرهنگ شیعی ما فراوان این مسئله مطرح می‌شود که حرم ائمه (علیهم السلام) و زیارتگاه‌ها و جلسات اهل بیت (علیهم السلام) این‌ها شفاخانه است و همین طور که ما شفاخانه‌ها را نبستیم، درب این شفاخانه‌ها را نمی‌شود بست و باید اجازه بدهیم مردم مریض و کرونایی‌ها به حرم و هیئت بیایند یا کسانی که می‌خواهند مصون از کرونا بشوند بیایند و خودشان را به شفاخانه اهل بیت (علیهم السلام) برسانند. سؤال این است که آیا واقعاً حرم ائمه (علیهم السلام) شفاخانه امراض جسمی‌اند یا این‌که شفا در این مکان‌ها یک امر استثنائی است؟ آیا کسی که بیماری واگیر دارد و آلوده به ویروس است، چنین اجازه‌ای دارد به حرم برود، با این‌که می‌داند باعث سرایت بیماری می‌شود یا این‌که چنین اجازه‌ای ندارد، یا این‌که از آلوده شدن حرم جلوگیری کند. آیا می‌توانیم به‌جای بیمارستان و درمانگاه، به بیمار بگوییم حرم بیایید و از اهل بیت (علیهم السلام) شفا بخواهید و به صورت کلی آیا موضوعاً و حکماً از دیدگاه حضرت‌عالی مقایسه حرم با بیمارستان صحیح است یا نیست؟

♦ وقتی ما مقامات ائمه معصومین علیهم السلام را ملاحظه می‌کنیم، این‌ها مقامات بسیار متعددی را داشتند، ما معتقدیم که این‌ها علم به گذشته و حال و آینده دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (الوافی، ج ۱، ص ۳۶۷)، علم من به آسمان‌ها بیش از چیزی است که در زمین هست، همه ائمه علیهم السلام ما چنین مقامی را داشتند. یکی از مقاماتی که این‌ها داشتند. حضرات علیهم السلام به اذن خدای تبارک و تعالی مریض را شفا می‌دادند، همانند حضرت عیسی علیه السلام که کور را بینا و بیمار را شفا می‌داد. اما مسئله این است این شفا به‌عنوان معجزه آن‌ها مطرح می‌شده، نه به‌عنوان یک امر عادی در وجود آن‌ها. ائمه علیهم السلام زندگی‌شان را بر اساس علم لدنی‌شان تنظیم نمی‌کردند. زندگی ظاهری خودشان را بر اساس همین علم عادی بشر تنظیم می‌کردند؛ یعنی گاهی اوقات از ایشان سؤال می‌شد، به منزل می‌آمدند و سراغ افراد را می‌گرفتند که فلانی کجاست. در حالی که به راحتی می‌توانستند از علم لدنی استفاده کنند و این سؤال را نکنند. اما استفاده از علم لدنی در یک مورد خاص بود. هر حکم شرعی را سؤال می‌کردند، جواب می‌دادند. اما در امور عادی و طبیعی فردی مثل دیگران بودند. این‌ها خودشان نیز مریض می‌شدند و طبیب برای این‌ها می‌آوردند. در عین این‌که به اذن الله تبارک و تعالی قدرت بر جلوگیری ورود مرض را داشتند، اما از این قدرت استفاده نمی‌کردند. برای شفای خودشان این قدرت را داشتند، ولی از راه طبیعی استفاده می‌کردند. ما از این آقایانی که می‌گویند حرم شفا است می‌پرسیم: آیا ائمه علیهم السلام در زمان حیاتشان خودشان را به‌عنوان طبیب جسمی مطرح می‌کردند؟ آیا اصحاب ائمه علیهم السلام وقتی مریض می‌شدند، اول سراغ خود امام می‌رفتند و بعد سراغ پزشک یا ائمه علیهم السلام یاد داده بودن «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ» خدا می‌خواهد هر امری با سبب طبیعی او واقع بشود (الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳). بله، گاهی اوقات برای این‌که مقام خودشان را نشان بدهند کرامتی و معجزه‌ای را از خودشان نشان می‌دادند و مرده را هم می‌توانستند زنده کنند. من به نظرم کسانی که می‌گویند تا کسی مریض شد و ویروس گرفت، به حرم برود و شفا بگیرد و بخواهد مقام ائمه علیهم السلام را این‌طوری معرفی کند، این جز تحقیر و سست کردن ائمه علیهم السلام چیزی دیگری نیست. ائمه علیهم السلام، معدن علم بودند، اما به اصحابشان می‌گفتند پیش استاد بروید و علم یاد بگیرید. چرا اصحاب ائمه علیهم السلام نزد برخی از مشایخی که از

مذاهب دیگر می‌رفته و درس می‌خواندند؟ اگر بگوییم این‌ها شفاخانه هستند. حتی ائمه علیهم‌السلام در زمان حیاتشان نفرمودند هر کس از شیعه و مسلمین مریض شدند، بیاید به منزل ما تا شفایش دهیم. این وهن مقام ائمه علیهم‌السلام است. ما امام معصوم علیه‌السلام را واسطه بین خودمان و خدا در توحید و معرفت و قرب به خدا و در عبادت قرار بدهیم، در حالی که شفا از ائمه علیهم‌السلام برای امراض ناچیز جسمی دنیوی، یک امر بسیار کوچکی است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی جنگ‌ها که یک سربازی انگشتش را از دست می‌دهد (بنده وقتی توفیق حضور در جبهه در دوران دفاع مقدس داشتم، این قضایا را برای رزمنده‌ها خواندم) حضرت علیه‌السلام فرمود: چرا ناراحتی، گفت انگشتم افتاده، حضرت انگشت را گرفت و یک چیزی را خواند و سرباز دید انگشت به حالت اولیه درآمده، گفت چه خواندید؟ فرمود: حمد خواندم، سوره حمد و قرآن شفا است. آن سرباز گفت مگر حمد این قابلیت را دارد، تا تردید کرد، این انگشت جدا شد. این‌ها هست و واقعیت دارد، ولی وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضربت می‌خورد، پزشک مسیحی را به دستور امام حسن یا امام حسین علیهم‌السلام می‌آورند یا در مورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ (کهف: ۱۱۰)، این یعنی چه؟ یعنی شما به صورت طبیعی گرسنه می‌شوید، من پیامبر هم گرسنه می‌شوم. نیاز به نوشیدنی و آب دارید، من پیامبر هم همین‌طور، شما مریض می‌شوید و برای معالجه مرض راه‌های طبیعی دارد، من پیامبر هم همین‌طور. اگر مقامات متعدد ائمه علیهم‌السلام را کنار بگذاریم و بگوییم دارالشفایند، این دین را موهون می‌کند و با منابع ما هیچ سازگاری ندارد.

فردی که مبتلا به ویروس کرونا است، دکتر به او می‌گوید تو حق ارتباط با جامعه را نداری و باید در قرنطینه باشی، رعایت کردن واجب است. اگر احتمال می‌دهید این مرض به دیگری سرایت کند، حق ندارید به اجتماع بروید. حالا اگر به حرم بروید و آن‌جا دستتان را به ضریح بگذارید، ممکن است به دیگری سرایت کند. اگر تلف شود، شما ضامن هستید. بله! اگر کسی نمی‌دانسته و بعداً معلوم شود که کسی به‌خاطر سرایت مریضی او از دنیا رفته است، باید دیه‌اش را بپردازد، ولی حکم تکلیفی ندارد. بنابراین فقها به وضوح می‌گویند کسی که مرض مسری دارد، حق ندارد در این اماکن متبرکه حضور داشته باشد و سبب ابتلای دیگران گردد. اگر کسی واقعاً اعتقاد دارد از

همان محل و بستر مریضی متوسل شود و ارتباط برقرار کند، این شاءالله این شفا برای او هم محقق می‌شود.

مجله پاسخ: به عنوان آخرین سؤال از حضرت تعالی بفرمایید، مرجع دارای صلاحیت و مشروع تشخیص اهم و مهم در موارد تراحم یا تشخیص موضوعات تخصصی در فقه اسلامی کیست؟ آیا می‌توان به صورت کلی گفت که تشخیص و تعیین موضوع به عهده مکلفان است و تشخیص ستاد ملی کرونا از لحاظ شرعی چه حکمی دارد و آیا ممکن است مجالس اهل بیت علیهم السلام از این اصطلاح بیانیه یا از این پروتکل‌ها استثناء پذیر باشند؟

♦ عرض کردم که این‌جا از نظر ما مسئله تراحم نیست که اهم و مهم برقرار باشد و جای قاعده «لا ضرر» هم نیست. چیزی که مهم است این است که اگر شما از هر راهی احتمال بدهید که در این لیوان آب، سم وجود دارد، چند درصد مثلاً ۱۰٪ درصد، احتمالی که عقلاً به آن توجه می‌کنند، این‌جا حق ندارید از لیوان استفاده کنید. حال این را در فقه به «خوف ضرر» تعبیر می‌کنند. در همین قضیه برخی از فقها بین عنوان «خوف» و «ضرر» و «لا ضرر» خلط کرده‌اند، این ربطی به «لا ضرر» ندارد. «خوف ضرر»؛ یعنی شما از هر راهی احتمال ضرر دادید (در کتب فقهی می‌گویند: حتی از قول فاسق این احتمال را دادید) باید بر طبق این احتمال عمل کنید. لذا براساس این بیان، امروز یک ستاد مبارزه با کرونایی که مورد تأیید رهبری، مسئولین، متخصصین و متدین وجود دارد، می‌گویند اگر کسی مبتلا به ویروس کرونا شده است، حق شرکت در مجلس امام حسین علیه السلام را ندارد. این باید تبعیت شود و مخالفت با او هرگز جایز نیست و این امر، امری است که بسیار واضح است. این مطلبی است که تشخیص با خود مکلف است. بله! ولی کدام انسان عاقلی با وجود این مرگ و میرهایی که هر روز در شهرها اتفاق می‌افتد، این مراسم را برگزار می‌کند. این احتمالش عقلایی است. بله! اگر یقین‌داری این طبعی که این حرف را به شما می‌زند اشتباه می‌کند، تبعیت از او لازم نیست، ولی این احتمال عقلایی برای همه وجود دارد.

مجله پاسخ: خیلی ممنون، اگر برای مداحان اهل بیت علیهم السلام و سخنرانان و عموم مردم جهت برگزاری باشکوه‌تر شعائر حسینی توصیه‌هایی دارید، بفرمایید؟

♦ عزاداران امام حسین علیه السلام سعی کنند امسال عزاداری را باشکوه‌تر برگزار کنند، اما



معنای باشکوه‌تر این نیست که با ضوابط بهداشتی مخالفت کنند. هر خانه‌ای را حسینیه کنند، هر اجتماع پنج و شش نفری تشکیل دهند و در جلسات یادی از امام حسین علیه السلام کنند و اشک بریزند و درب منازلشان را سیاه‌پوش کنند، این مصداق باشکوه‌تر برگزاری مجالس عزاست. بله، آن اجتماعات متراکم قبلی را نمی‌توانیم داشته باشیم، ولی معنایش این نیست که با شکوه برگزار نکنیم. رعایت دقیق ضوابط بهداشتی لازم است. لذا به عشق امام حسین علیه السلام کوچک‌ترین تخطی هم جایز نیست. این حرف عوامانه و جاهلانه که گفتند در یکی از استان‌ها کنار یک حسینیه‌ای نوشته‌اند به احترام امام حسین علیه السلام ماسک نزنید. به بهانه احترام به امام حسین علیه السلام جان مردم را به خطر نیاندازید. برای عزاداری ماسک بزنید و ضدعفونی کنید. همان‌طوری که رهبری فرمود ممکن است فاجعه‌ای پیش بیاید. لذا به اسم دین و امام حسین علیه السلام تمام نشود. البته این‌طور نخواهد شد، با رعایت ضوابط بهداشتی و با اخلاص بیشتر عزاداری را برگزار کنید. نکته‌ای مهم این است که نگویند امام حسین علیه السلام شفا است، این شفا به‌عنوان کرامت و معجزه است. نه به‌عنوان یک امر عادی و طبیعی. گاهی اوقات می‌گویند ما ۱۰۰ تا مریض بردیم و یکی از آن‌ها شفا پیدا کرد و امام رضا علیه السلام فرق می‌گذارد؟ نه! برای این که یک معجزه نشان داده شود، بنا نیست که حرم دارالشفای امراض جسمی بشر شود. حرم را برای این امور کوچک این قدر تنزل ندهیم. حرم دارالتوحید، دارالعباده و دارالمعرفت است. بنابراین از اهل بیت علیهم السلام بخواهیم به‌خاطر خلوص عزاداران، این بلا را هر چه زودتر از شیعیان مرتفع کنند.

مجله پاسخ: با عرض تشکر فراوان از حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی که با بیانات نکته سنجانه و دقیق‌شان ما را بهره‌مند کردند و همچنین تقدیر و تشکر می‌کنم از همه عزیزانی که ما را در بگذاری هر چه با شکوه‌تر این جلسه یاری کردند.